

مهاجرت و رادیکالیسم در اتحادیه اروپا



مهدی محمدنیا*

پروفسور، مرکز مطالعات فرانسوی
پرتال جامع علوم انسانی

* دکترای مطالعات استراتژیک-استادیارعلوم سیاسی دانشگاه آیت الله العظمی بروجردی (ره)
mahdi.mnia@yahoo.com

تاریخ تصویب: ۹۵/۱/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۰/۲۳

فصلنامه روابط خارجی، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۸۶-۵۷.

چکیده

موج جدید مهاجرت به کشورهای اروپایی از زمان شکل‌گیری جنگ داخلی سوریه آغاز شد. اوج این بحران به اوایل سال ۲۰۱۵ برمی‌گردد که کشورهای اروپایی شاهد سیل عظیمی از مهاجرین و آوارگان جنگی بوده‌اند که عمدتاً از کشورهای بی‌ثبات خاورمیانه از جمله سوریه، عراق، افغانستان و لیبی که درگیر جنگ داخلی تروریستی هستند، روانه اروپا شده‌اند. به‌گونه‌ای که می‌توان گفت همواره یک رابطه مستقیمی بین نابسامانی‌های سیاسی-امنیتی در آسیا و آفریقا و گسترش روند مهاجرت به اروپا وجود داشته است. بحران مهاجرت در اروپا به‌ویژه از زمان یازده سپتامبر وارد فاز جدیدی شده است و ماهیت بحران از موضوعات اقتصادی و اجتماعی به موضوع امنیتی تغییر پیدا کرده است و این مسئله چالش‌های متعددی را فراروی دولت‌های اروپایی قرار داده است. این روند با شکل‌گیری بحران داعش در سوریه و عراق و موج جدید مهاجرت به اروپا تشدید شده است. بر این اساس، این مقاله تلاش دارد تا نوع رویکرد کشورهای اروپایی به موج جدید مهاجرت را مورد بررسی قرار دهد. سؤال اصلی مقاله این است که «چه چالش‌ها و تهدیداتی فراروی دولت‌های اروپایی در برخورد با پدیده مهاجرت مسلمانان قرار دارد؟» فرضیه مقاله این است که دولت‌های اروپایی مهاجرت را مهمترین تهدید علیه امنیت اجتماعی و فرهنگی خود تلقی می‌کنند و این منجر به امنیتی شدن مهاجرت در کشورهای اروپایی شده است.

واژه‌های کلیدی: مهاجرت، اروپا، تروریسم، هویت، امنیتی شدن

مقدمه

موضوع مهاجرت به کشورهای توسعه یافته به ویژه بعد از جنگ جهانی دوم، همواره مورد توجه سیاستمداران و محققین بوده است. اما مسئله‌ای که امروزه مهاجرت را مجدداً در کانون توجه بین‌المللی به ویژه کشورهای اروپایی قرار داده است، امنیتی شدن مهاجرت است. این موضوع با توجه به موج جدید مهاجرت به کشورهای اروپایی که عملاً از سال ۲۰۱۳، متعاقب بحران سوریه و جنگ داخلی عراق شروع شد، اهمیت جدی‌تری به خود گرفت. تعهد کشورهای اروپایی به کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به مهاجرت، آوارگان و حقوق بشر از یک‌سو، بستن مرزهای خود و اعمال برخی رفتارهای خشونت‌آمیز در برخورد با مهاجرین از سوی دیگر، این کشورها را در یک وضعیت تناقض‌آمیز قرار داده است. امروزه کشورهای اروپایی با چالش‌های متعددی در رابطه با موج رو به افزایش مهاجرین مواجه هستند. این درحالی است که یک سیاست موثر در اروپا در مواجهه با آنها وجود ندارد. امروزه مسائلی چون وضعیت وخیم آوارگان جنگی، مصائب و مشکلات فراوانی که آوارگان و مهاجران برای رسیدن به اروپا متحمل می‌شوند، غرق شدن تعداد زیادی از آنها در دریای مدیترانه، نقض مکرر اصول حقوق بشر توسط دولت‌های اروپایی در برخورد با مهاجرین از یک‌سو، حملات تروریستی بنیادگرایان اسلامی همچون داعش به برخی کشورهای اروپایی و متعاقب آن افزایش خشونت‌ها علیه مسلمانان از سوی دیگر، باعث شده است که بار دیگر موضوع مهاجرت به اروپا در کانون توجه جهانی قرارگیرد. اهمیت موضوع مهاجرت صرفاً محدود به ادبیات و مباحث داغ انتخاباتی نیست بلکه به یکی از مهمترین مسائل مناقشه‌آمیز در سیاست‌های امنیتی معاصر اروپا تبدیل شده است.



در بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر آلمان، انگلستان و هلند، نگرانی‌ها درباره گسترش مسلمانان، منجر به گسترش تقاضا از تصمیم‌گیرندگان برای محدودیت مهاجرت شده است. در این میان آلمان از جایگاه ویژه‌ای برای مهاجرین برخوردار است. بسیاری از مهاجرین به خاطر وجود فرصت‌های اقتصادی، خواستار ورود به این کشور هستند. این درحالی است که برخی از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه از پذیرش بیشتر مهاجران خودداری کرده‌اند و برخی دیگر از کشورها نیز از جمله مجارستان، یونان و ایتالیا بیش از پیش سیاست‌های مهاجرت، پناهندگی و امنیت مرزی را سخت‌تر کرده‌اند.

با وجود اهمیت عوامل اجتماعی، اقتصادی، زیست محیطی و... علت ریشه‌ای موج جدید مهاجرت به اروپا را باید در بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های امنیتی خاورمیانه دانست که منجر به گسترش پدیده «مهاجرت برای بقا» شده است. یعنی حداقل حقوقی که مهاجرین در کشورهای خود از آن بی‌بهره‌اند. این روند را می‌توان مهمترین پیامد حمایت امریکا و اروپا از مخالفین دولت سوریه تلقی کرد که نتیجه آن تداوم جنگ داخلی سوریه و گسترش آن به عراق و ایجاد شرایط اسفبار برای مهاجرین بوده است. به طور کلی می‌توان گفت که همواره یک رابطه مستقیمی بین نابسامانی‌های سیاسی-امنیتی در کشورهای آسیایی و آفریقایی و گسترش مهاجرت به اروپا وجود داشته است.

بر این اساس، سؤال اصلی مقاله این است که «چه چالش‌ها و تهدیداتی فرا روی دولت‌های اروپایی در برخورد با پدیده مهاجرت مسلمانان قرار دارد؟». فرضیه مقاله این است که «دولت‌های اروپایی مهاجرت را مهمترین تهدید علیه امنیت اجتماعی و فرهنگی خود تلقی می‌کنند و این زمینه را برای امنیتی شدن مهاجرت در کشورهای اروپایی فراهم کرده است».

۱. چارچوب مفهومی: امنیتی شدن و موضوع مهاجرت

مفهوم امنیتی شدن یکی از مهمترین ابتکارات مفهومی است که در دهه‌های اخیر پیرامون ماهیت امنیت ایجاد شده است. این مفهوم در اصل مرتبط با مطالعات امنیتی

جمعی از محققین از جمله باری بوزان^۱ آل ویور^۲ و جاپ دو ویلد^۳ است که عموماً به مکتب کپنهاک^۴ مشهور است (Waever, Buzan, Kelstrup and Lemaitre, 1993, Waever, 1995). ال ویور معتقد است که امنیت به عنوان یک کنش گفتاری و کلامی بهتر قابل درک است (Wæver, 1995: 35). از نظر بوزان، ویور و دو ویلد «هدف از مطالعات امنیتی شدن این است تا فهم بسیار روشنی را از اینکه چه کسی امنیتی می‌کند یا چه چیزی امنیتی و تهدید محسوب می‌شود، بدست آورد» (Buzan, Waever and J Wilde, 1998: 32).

در مکتب کپنهاگ امنیتی شدن فرایندی که از طریق کنش گفتاری^۵ یا کنش کلامی (گفتمانی)^۶، یک موضوع اجتماعی، فرهنگی و یا سیاسی تبدیل به یک موضوع امنیتی می‌شود. این رویکرد با رد عینی بودن امنیت معتقد است که امنیت یک مفهوم سازه‌انگاران و برساخته فرایندهای اجتماعی^۷ و فهم‌های بیناذهنی^۸ است. ادعای اصلی تئوری امنیتی شدن این است که امنیت یک کنش کلامی است که در یک فرایند اجتماعی^۹ ساخته می‌شود (Buzan, et.al, 1998: 6). در این راستا امنیت الزاماً به یک واقعیت خارجی برنمی‌گردد بلکه خود گفتار، کنش است که با بر زبان راندن واژه‌ها و گفتن "امنیت" فعلی صورت می‌گیرد. بنابراین در این دیدگاه، امنیت صرفاً یک کنش کلامی است که در راستای آن دولت‌ها با گفتن واژه امنیت جایگاه یک موضوع اجتماعی، غیرسیاسی و یا حتی سیاسی را به حوزه امنیتی انتقال می‌دهند (Waever, 1995: 35). در واقع یک بازیگر (امنیتی کننده) چنین استدلال می‌کند که وجود و بقای یک موضوع خاص در حال تهدید است (تهدید

1. Barry Buzan
2. Ole Waever
3. Joope de Wild
4. Copenhagen School
5. Speech Act
6. Discursive Act
7. Process Social
8. Intersubjective
9. Social Process
10. Existential threat

لذا مدعی یکسری اقدامات فوری جهت تضمین بقای آن می‌شود. در این حالت، آن موضوع از حوزه عادی وارد فضای سیاسی غیرعادی یا امنیتی می‌شود، یعنی فضایی که خارج از حاکمیت قوانین و مقررات دموکراتیک است. یک مثال کلاسیک در روابط بین‌الملل وجود دارد و آن حق دولت در دفاع از خود است. اگر یک دولت تحت تهدیدات امنیتی قرارگیرد، این دولت می‌تواند برای حفظ امنیت خود، بکارگیری اقدامات فوق‌العاده را که در شرایط عادی سیاسی امکان‌پذیر نیست، مشروعیت بخشد و در راستای آن برخی کارکردهای دموکراتیک خود را تعلیق کند (Columba and Vaughan-Williams, 2010: 77). بوزان معتقد است که امنیتی شدن شامل طیفی از موضوعاتی است که از حوزه غیرسیاسی شروع و تا حوزه سیاسی ادامه پیدا کرده و در نهایت به حوزه امنیتی ختم می‌شود و بیانگر یک تهدید وجودی است که نیازمند واکنش‌هایی فراتر از رفتارهای سیاسی عادی است (Buzan, et.al, 1998: 23). در چنین رویکردی، امنیت یک مفهوم مشخص و از پیش تعیین شده^۱ نیست بلکه مفهومی است که برساخته کنش کلامی، زبانی و محصول فرایندها و تعاملات اجتماعی است و این زمانی امکان‌پذیر است که مخاطب آن را بپذیرد (Wæver, 2004: 25). بوزان سئوالی مطرح می‌کند مبنی بر اینکه ما چگونه بدانیم چه چیز موضوع امنیتی است و چه چیزی نیست. پاسخ این است که امنیت با مفهوم بقا^۲ پیوند خورده است. زمانی یک موضوع امنیتی می‌شود که یک تهدید وجودی خطری برای بقای یک شیء (مرجع امنیت) معرفی شود. این تهدید وجودی واقعیت عینی خارج از ذهن نیست بلکه خود یک مفهوم بین‌الذهانی است (Buzan, et.al, 1998: 36). برای اینکه یک موضوع بتواند وارد فضای امنیتی شود سه شرط لازم است: ۱. معرفی یک تهدید حیاتی، ۲. اقدام فوری، ۳. تأثیر بر روابط بین دولت‌ها با کنار گذاشتن محدودیت‌های قانونی (Buzan, et.al, 1998: 6).

امروزه در اتحادیه اروپا، مهاجرت به عنوان یک موضوع اجتماعی در بستر تحولات سیاسی-اجتماعی تبدیل به یک موضوع امنیتی شده است که از آن تعبیر به

1. Pre-given

2. Survival

پیوند «امنیت-مهاجرت»^۱ نیز شده است که نشان دهنده رابطه عمیق بین مهاجرت و امنیت در اروپای معاصر است. این رابطه با گسترش بحران هویت و رادیکالیسم در بین مهاجرین، بیش از پیش تشدید شده است و فراتر از مطالعات آکادمیک، زندگی واقعی مردم را نیز تحت تأثیر قرار داده است. (نمودار ۱)

نمودار ۱: پیوند مهاجرت، رادیکالیسم و امنیتی شدن



۲. پیشینه موضوع مهاجرت

مهاجرت هدفمند به اروپا (نسل اول) در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، یعنی بعد از تخریب‌های گسترده جنگ جهانی دوم شروع شد که به عنوان نیروی کار اضافی در بازارهای داخلی کشورهای اروپای غربی، که نیاز به نیروی کار ارزان و قابل انعطاف داشتند، مشغول فعالیت شدند. لذا، حضور جمعیت مسلمان مهاجر در اروپا ریشه در کمبود نیروی کار اروپای غربی و سیاست‌های مهاجرتی دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ در جهت احیا و بازسازی اقتصادی اروپا دارد. در این برهه مهاجران در ملاحظات سیاسی دولت‌های اروپایی جایگاه ویژه‌ای نداشتند و تلاش جدی نیز در جهت ادغام آنها صورت نمی‌گرفت (هرمزی، ۱۳۸۹: ۲۲). در این مقطع، دولت‌های اروپایی مهاجرت را از زاویه اقتصادی و در جهت ایجاد یک بازار کار منسجم نگاه می‌کردند. با افزایش جمعیت مهاجر در اروپا در اواخر دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، مهاجرت به طور روزافزونی به موضوعی از نگرانی عمومی تبدیل شد و ادبیات سیاسی به طور روزافزونی مهاجرت را به بی‌ثباتی و نظم عمومی پیوند داد (Jef, 2000: 754).

نوع نگاه به پدیده مهاجرت از اواسط سال ۱۹۸۰ تغییر پیدا کرد. مهاجرت به خاطر افزایش جمعیت مهاجر در اروپا (نسل دوم) از یک‌سو، و درخواست

پناهندگی و پیوند بین مهاجرت و پناهندگی از سوی دیگر، به موضوع سیاسی تبدیل شد. در این راستا رابطه مستقیمی بین مهاجرت‌های غیرقانونی و درخواست‌های پناهندگی شکل گرفت (Jef, 2000: 755). بر این اساس، با گسترش مهاجرت‌های غیرقانونی نیاز به قوانین مشترک اروپایی و یکپارچگی سیاست مهاجرت اروپایی بیش از پیش احساس شد و پیمان اتحادیه اروپایی (پیمان ماستریخت، ۱۹۹۲)، مهاجرت را موضوع مقررات بین حکومتی اتحادیه اروپا معرفی کرد. در این دوره، دولت‌های اروپایی مهاجرت را به عنوان چالشی برای دولت رفاهی و ترکیب فرهنگی یک ملت معرفی کردند.

از اواخر دهه ۱۹۹۰، به‌ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر، موضوع مهاجرت به‌تدریج وارد حوزه‌های امنیتی شد و این زمانی بود که از نظر دولت‌های اروپایی، مهاجرت و پناهندگی به عنوان یکی از موضوعات امنیت داخلی با پدیده تروریسم و افراطی‌گری و خشونت‌های بین‌المللی پیوند خورده است؛ چرا که نسل سوم مهاجرین مسلمان نتوانسته‌اند به لحاظ هویتی در هویت اروپایی جذب شوند، در نتیجه به تدریج فاصله‌ها و شکاف‌های اجتماعی میان آنها و جوامع میزبان افزایش پیدا کرد. روند امنیتی شدن موضوع مهاجرت با شکل‌گیری گروه تروریستی داعش در سوریه و عراق و هجوم آوارگان جنگی به کشورهای اروپایی بیش از پیش تشدید شد و دولت‌های میزبان اروپایی در برقراری یک رابطه سازنده با مهاجرین جدید مسلمان، عملکرد ضعیفی از خود نشان دادند.

۳. مهاجرت و رادیکالیسم

امروزه در اتحادیه اروپا موضوع مهاجرت با فرایند رادیکالیسم پیوند خورده است. فرایند رادیکالیسم عمدتاً از چهار مرحله تشکیل می‌شود که به نوعی یکدیگر را پوشش می‌دهند:

پیش‌رادکالیسم. در این مرحله جوانان عمدتاً دارای نگرش سکولار بوده‌اند. فرایند رادیکالیسم برای هر شخصی امر منحصر به فردی است. به نظر می‌رسد در این رابطه پروفایل مشترکی برای تروریست‌های وطنی^۱ وجود نداشته باشد. برای

بسیاری از تروریست‌ها، فرایند رادیکالیسم از نوجوانی شروع می‌شود. افرادی که در جست وجوی یک هویت راسخ هستند، پاسخ خود را در ایدئولوژی رادیکالیسم اسلامی پیدا می‌کنند که به وسیله وعاظ افراطی به ویژه و روحانیون وهابی در اروپا و سایر نقاط تبلیغ و حمایت می‌شود. نکته جالب این است که بسیاری از این افراد، قبل از ورود به فرایند رادیکالیسم اسلامی دارای نگرش سکولار نسبت به جامعه و سیاست بوده‌اند. چند عامل انگیزشی در مرحله پیش‌رادیکالیسم تأثیرگذار هستند: الف. بحران هویت مسلمانان در اروپا؛ ب. آسیب‌های روحی شخصی؛ ج. تجربه تبعیض نژادی و شاخصه‌های محرومیت نسبی؛ د. شرایط محیط زندگی و همتایان (جدا انگاری^۱ و ایجاد جامعه موازی^۲)؛ ه. واپوستگی^۳ و احساس بیگانگی از جامعه؛ و. تصویر از بی‌عدالتی (Precht, 2007: 6).

هویت‌یابی^۴ و ایمان آوری^۵. مهمترین الگوی رفتاری در این مرحله تغییر هویت مذهبی افراد است. این تغییر می‌تواند به سه شکل رخ دهد: الف. تغییر از یک هویت غیرمذهبی به هویت مذهبی؛ ب. از یک هویت مذهبی عادی به هویت مذهبی رادیکالی که حتی ایدئولوژی والدین آنها نیز چنین نبوده است؛ ج. تغییر از یک مذهب به مذهب دیگر (مثلا از مسیحیت به بنیادگرایی اسلامی).

در این مرحله افراد دچار بحران هویتی هستند و احساس می‌کنند که بنیادگرایی اسلامی بهتر می‌تواند راه گریز از بحران را در پیش روی آنها قرار دهد. در سطح فردی، حتی وضعیت‌هایی که منجر به روان‌پریشی می‌شود همچون طلاق، از دست دادن شغل، مرگ خویشاوندان نیز می‌تواند زمینه‌های کشیده شدن به سمت رادیکالیسم را فراهم نماید (Precht, 2007: 35). در این رابطه معمولا اعضای سازمان‌های تروریستی همچون القاعده و داعش به عنوان منشاء الهام، نقش عمده‌ای در هماهنگی‌های مرحله پیش‌رادیکالیسم ایفا می‌نمایند.

-
1. Segregation
 2. Parallel Society
 3. Alienation
 4. identification
 5. Conversion

برخی عوامل برانگیزاننده رادیکالیسم در این مرحله عبارتند از: الف. سیاست خارجی تهاجمی کشورهای غربی (در عراق، افغانستان، سوریه، لبنان، یمن و...) و رویدادهای تحریک‌آمیز موردی (مثل توهین به مقدسات اسلامی توسط مقامات، روشنفکران، روزنامه‌نگاران و... همچون چاپ مقالات یا کاریکاتورهای توهین‌آمیز)؛ ب. مسئله به انحراف کشیده شده جهاد و آرزوی عمل جهادی؛ ج. حضور و عاظ کاریزما و مشاورین روحانی بنیادگرا؛ د. احساس تعلق گروهی به گروه‌های هویتی خاص.

وجود این عناصر در این مرحله می‌تواند شرایط «حرکت تدریجی» به سمت رادیکالیسم را فراهم نماید. برخی آمارها نشان از تشدید گرایش‌های رادیکالیستی در بین مهاجرین مسلمانان اروپا دارد. در یک نظرسنجی انجام شده توسط "پیو" در سال ۲۰۰۶، ۱۵ درصد از مسلمانان در بریتانیا، فرانسه و اسپانیا معتقد بودند که بمب‌گذاری انتحاری و سایر اشکال خشونت گاهی در دفاع از اسلام قابل توجیه است (Pew Global, 2006). نظرسنجی انجام شده توسط ای سی ام (ICM) نشان می‌دهد که یک پنجم از مسلمانان بریتانیا با احساس و انگیزه‌های بمب‌گذاران انتحاری که در ۷ جولای ۲۰۰۷ اتفاق افتاد، احساس همدردی می‌کردند (ICM, 2006). در یک نظرسنجی دیگر از مسلمانان بریتانیا که هشدار برای کشورهای اروپایی بوده است، ۱۳ درصد از مسلمانان جوان (بین ۱۶ تا ۲۴ سال) و ۳ درصد از مسلمانان پیر (۵۵ سال به بالا)، نسبت به فعالیت گروه‌هایی چون القاعده احساس رضایت داشتند (Mirza, 2007: 46).

اقتناع^۱ و آموزه‌سازی. در این مرحله افراط‌گرایان بالقوه، از زندگی پیشین خود فاصله می‌گیرند و هویت خود را پیش از هر چیز، با بنیادگرایی اسلامی معرفی می‌نمایند. کاتالیزورهایی چون الفت‌های گروهی، کمپ‌های آموزشی و مسافرت‌های خارجی به کشورهایی که مهد رشد تروریسم هستند، این فرایند را تسهیل می‌کند. به طوریکه آمارها نشان می‌دهد در موارد تروریستی اخیر در اروپا حداقل یک بار به پاکستان، افغانستان و عراق مسافرت کرده بودند. از آن جمله می‌توان به

1. Conviction

عبدالحمید عبود،^۱ مغز متفکر^۲ حملات خونین تروریستی نوامبر ۲۰۱۵ پاریس اشاره کرد که در سوریه آموزش دیده و برای انجام حمله تروریستی به پاریس آمده بود (The Guardian, 16/11/2015). مسافرت‌های خارجی و تماس‌های بین‌المللی در شکل‌گیری و تسریع مراحل سوم و چهارم رادیکالیسم بسیار کمک کننده است. امروزه نقش شبکه‌های اجتماعی در تسریع فرایند اقناع، انکارناپذیر است. به گفته ساگمن «شبکه‌های اجتماعی کلید پویایی شبکه‌های ترور هستند» (Sageman, 2004). در این راستا علاوه بر نقش شبکه‌های اجتماعی، می‌توان مساجد، اینترنت، مدارس، دانشگاه‌ها و کلوپ‌های جوانان، زندان‌ها، باشگاه‌های ورزشی، کافی‌شاپ‌ها و کتاب‌فروشی‌ها را مثال زد که مکان‌های مناسب و فرصت‌آفرین برای تشکیل گروه‌های به اصطلاح جهادی به شمار می‌روند (Precht, 2007: 6). در راستای رادیکالیزه کردن اندیشه‌های مهاجرین مسلمان، بسیاری از "واسطه"ها از طریق شبکه‌های اجتماعی نقش تسهیل کننده را در ورود اعضای جدید به فرایند رادیکالیسم ایفا می‌کنند و حتی دوره‌های آموزشی لازم را برای رادیکالیزه کردن افراد گذرانده‌اند. این واسطه‌های فراملی یک بخش جدایی‌ناپذیر فرایند رادیکالیسم به شمار می‌روند. آنها قادر هستند ایدئولوژی خود را به جوانان مستعد افراط‌گری انتقال دهند. به عنوان مثال نجیب‌آباد... زازی کسی که به خاطر یک طرح حمله تروریستی دستگیر شد، خود را به عنوان یک سرباز بالقوه‌ای خواند که تحت تأثیر القاتل ادنان الشکر جمعه، تبعه سعودی بوده است و از این طریق به سمت رادیکالیسم اسلامی هدایت شده است. شکر جمعه سفر زازی به پاکستان و پذیرش او در کمپ آموزشی القاعده را تسهیل نمود. زازی ادعا کرده بود که بعد از سپری کردن آموزش‌های لازم، ادنان الجمعه او را متقاعد کرده بود که به امریکا برگردد و طرح حمله را اجرا کند. حملات خونین ۱۳ نوامبر پاریس نیز توسط کسانی انجام شد که قبلاً در سوریه آموزش‌های لازم را دیده بودند. در واقع، تکنولوژی ارتباطات و اطلاعات^۳ بستر مناسبی را برای اشاعه اندیشه‌های بنیادگرایانه، کسب حمایت و

1. Abdel-Hamid Abu Oud
2. Mastermind
3. Information and Communication Technology



بسیج اجتماعی در راستای ایده‌های تروریستی مهیا کرده و نیاز آنها را به مسافرت‌های بین‌المللی و تعامل شخصی با اعضای گروه‌های تروریستی همچون القاعده و داعش کاهش داده است (Pregulman and Burke, 2012: 5-7). در این راستا، مدیرکل سرویس امنیتی بریتانیا^۱ در سخنرانی سال ۲۰۰۶، ادعا کرد که بسیاری از افرادی که از موضع انفعالی به تروریسم فعال تبدیل می‌شوند، غالباً توسط دوستان، خویشاوندان، تصاویر تلوزیون، چت‌روم‌ها، وبسایت‌ها و شبکه‌های اجتماعی رادیکال و بنیادگرا می‌شوند (Manningham-Buller, 2006). برطبق گفته پلیس متروپولیتن^۲، از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر، خیزش معنی‌داری در شمار افرادی که در داخل بریتانیا نیاز به کنترل و نظارت دارند، صورت گرفته است (Precht, 2007: 10).

بنابر گفته هفته‌نامه تایمز، گروه تروریستی داعش توانسته است شمار فزاینده‌ای از جنگجویان خارجی را از غرب جذب خود کند. در این رابطه «جاشوا لاندیس»، کارشناس سوری دانشگاه اوکلاهاما معتقد است که یکی از دلایل افزایش اعضای خارجی داعش این است که برخلاف القاعده، این گروه تروریستی از عضویت اتباع خارجی در گروه خود بسیار استقبال می‌کند. داعش در شبکه‌های توئیتر و فیس‌بوک به هر دو زبان انگلیسی و عربی پیام‌های تبلیغاتی منتشر می‌کند و با پخش تصاویر ویدئویی، تبلیغات گسترده‌ای را برای عضوگیری به راه انداخته است. در این راستا، «ماتیو لویت»، مدیر بخش اطلاعاتی و مبارزه با تروریسم^۳ مؤسسه سیاست شرق نزدیک^۴ واشینگتن ابراز داشت که برای کسانی که فاقد هدف و احساس قوی "هویت" هستند، پیام جهانی خشونت‌آمیز داعش پاسخ و راه‌حل آسانی را برای عبور از مشکلات فراهم می‌کند. آمارهای دقیقی در رابطه با تعداد اعضای خارجی داعش وجود ندارد. براساس برآورد وزارت امور خارجه امریکا، حدود ۱۲ هزار خارجی دست کم از ۵۰ کشور جهان برای جنگ در کنار گروه‌های مختلف از جمله داعش به سوریه سفر کرده‌اند (Times, 05/09/2014).

1. British Security Service
2. Metropolitan Police
3. Counter-terrorism and Intelligence
4. Near East Policy

همچنین، همکاری و هماهنگی با افراد همفکر نقش مهمی در تشدید رادیکالیسم ایفا می‌کند. در این میان، حضور یک رهبر روحانی بنیادگرا می‌تواند نفوذ قابل توجهی را بر تسریع فرایند رادیکالیسم داشته باشد (Precht, 2007: 37). معمولاً حضور یک سخنران کاریزما با خطابه‌های رادیکال و آتشین، یک عامل مشترک در حوادث خشونت‌آمیز داخل اروپا بوده است. به عنوان مثال محرک اصلی محمد بویری و شبکه مخفی هافستاد،^۱ یک سخنران سوری^(۱) بوده است (AIVD, 2006: 37) و یا ریچارد رید بریتانیایی،^(۲) معروف به بمب‌گذار کفشی، گفته می‌شود تحت تأثیر ابوقتادا و ابوهامسا خطبای مسجد پارک فینسبوری^۲ لندن بودند (BBC News, 28/12/2001).

القاعده مدعی است که سعی کرده تا با نفوذ در سیستم اطلاعات سلامت روانی آمریکایی‌ها، به جذب اعضای بالقوه بپردازد. در واقع، هشتگ‌های توییتر و کلیپ‌های یوتیوب که توسط داعش همچون سکانس‌های هالیوودی ویرایش می‌شوند، پیام نوین این گروه تروریستی را برای مهاجران نسل دوم منتقل می‌کنند (Economist, 15/08/2015). در این راستا، بسیاری از مباحثی که درباره محاسن جهاد تبلیغ می‌شود، در ملاء عام صورت نمی‌گیرد، بلکه در فضای مجازی اتفاق می‌افتد. رادیکالیسم و افراطی‌گری عمدتاً مهاجرینی را درگیر می‌کند که در زندگی، جامعه و یا در رابطه با سیاست خارجی حکومت‌هایشان سرخورده و ناامید شده‌اند. یکی از مهمترین الگوهای رفتاری ترورست‌ها این بوده است که معمولاً در جامعه با همتایان همفکر خود مواجه می‌شوند و یک‌سری مراحل و رویدادهایی را با یکدیگر پشت سر می‌گذرانند که در نهایت منتهی به پدیده تروریسم می‌شود.

رفتار تروریستی. این مرحله شامل انتخاب اهداف، برنامه‌ریزی، نظارت، ساخت ابزارهای انفجاری، آزمایش و در نهایت انجام یک عمل خشونت‌آمیز است. در این مرحله، هر عضوی تعهد به انجام یک حمله خشونت‌آمیز را می‌پذیرد. در مقایسه با مراحل پیشین، این مرحله نسبتاً سریع و در چند هفته یا چند ماه می‌تواند صورت گیرد. در این مرحله، الفت‌ها و فاداری‌های گروهی بسیار تقویت می‌شود و

1. Hofstad network
2. Finsbury Park Mosque

افراد عمدتا از زندگی سابق خود فاصله می‌گیرند، هدف شخصی به سمت هدف گروهی تغییر پیدا می‌کند و وفاداری‌های گروهی با فعالیت‌های آموزشی تقویت می‌شود. با تماشای ویدئوها، اینترنت یا رسانه‌های افراطی، افراد تلاش می‌کنند تا حمایت اخلاقی نهایی را در رابطه با یک ترور و حمله انتحاری بدست آورند. افراد در این مرحله بسیار امنیتی رفتار می‌کنند. ملاقات‌ها معمولا در اتومبیل‌ها، خانه‌های خصوصی و مکان‌هایی صورت می‌گیرد که کشف آنها برای پلیس و مأمورین دولتی مشکل باشد (Precht, 2007: 37).

۴. دولت‌های اروپایی، رادیکالیسم و امنیتی شدن مهاجرت

دولت‌های اروپایی در برخورد با موج نوین مهاجرت با چالش و معضلات متعددی روبرو هستند. این چالش‌ها زمینه را بیش از پیش برای امنیتی شدن مهاجرت فراهم کرده است.

رادیکالیسم: تهدید تروریسم وطنی! تروریسم وطنی یک رفتار تروریستی با انگیزه‌های مذهبی یا سیاسی است که توسط افرادی انجام می‌شود که در همان کشور (کشوری که عمل تروریستی را انجام داده‌اند) متولد شده‌اند. تهدیدات مربوط به تروریسم وطنی در ۴-۵ سال اخیر در اروپا رشد زیادی داشته است. اهداف این تروریست‌ها عمدتا راه‌آهن، فرودگاه‌ها، هواپیماها و اتوبوس‌ها، سالن‌ها و اماکن عمومی بوده است. این افراد یا در اروپا متولد شده و یا در این قاره پرورش یافته‌اند. تهدیدات تروریستی در اروپا تهدیدات چندسطحی است. از دهه ۱۹۹۰ عمدتا تهدیدات تروریستی از تهدیدات برون‌زا تبدیل به تهدیدات درون‌زا شده‌اند که عمدتا از سوی نسل دوم و سوم مهاجرین هدایت شده است. پدیده تروریست وطنی و ظهور رادیکالیسم در این قشر از مهاجرین را می‌توان به عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی تحلیل کرد. احساس محرومیت نسبی، تعلقات هویتی - فرهنگی و پویایی گروهی از عناصر تأثیرگذار برای ظهور این نوع تروریست‌ها محسوب می‌شوند. در این راستا، احساسات مذهبی نقش عنصر محرک را برای پیشبرد اهداف آنها ایفا می‌کند. ایمان مذهبی راسخ (به آنچه که انجام می‌دهند)، تنفر عمیق

از تمدن و ارزش‌های غربی، بحران هویت و احساس بیگانگی از جامعه غربی از مهمترین ویژگی‌های مشترک این اسلام‌گرایان افراطی در اروپا به شمار می‌رود (Precht, 2007: 5). حرکت تروریست‌های وطنی بسیار متفاوت از حرکت‌های القاعده است. این افراط‌گرایان خانگی در انجام عملیات خشونت‌آمیز خود مستقل‌تر و به اصطلاح آغازگر^۱ هستند و تصمیمات آنها از مجاری سازمانی عبور نمی‌کند (Pregulman and Burke, 2012: 2). در واقع، نکته بسیار مهمی که در رابطه با شکل‌گیری گروه‌های افراطی در اروپا وجود دارد، موضوع خود-رادیکالی^۲ و خود-سازمانی^۳ است. امروزه گروه‌های افراطی داخلی در اروپا الزاما در چهارچوب سازمانی القاعده یا داعش عمل نمی‌کنند، بلکه از سازماندهی غیرمتمرکز و خود-رهبری برخوردارند. همین موضوع، چالش کشورهای اروپایی در برخورد با تروریست‌ها را دوجندان می‌کند؛ چراکه وجود پراکندگی و عدم سلسله‌مراتب سازمانی، مقابله و حتی مذاکره با آنها را بسیار مشکل می‌کند. طبیعی است وقتی گروه‌های تروریستی از مرکز فرماندهی واحدی دستور بگیرند و فعالیت‌های آنها در چهارچوب سازمانی صورت گیرد و از یک هویت نسبتاً مشخصی برخوردار باشند، کنترل و یا مذاکره به آنها در چهارچوب فرایندهای سازمانی آسان‌تر خواهد بود تا اینکه از گروه‌های خودسر یا خود-رهبر تشکیل شده باشند. یکی از علل گسترش خشونت‌های تروریستی در غرب، نتیجه فعالیت‌های این شبکه‌های داخلی مستقل^(۳) و خود-رهبر وطنی است که باعث شده است دولت‌های اروپایی بیش از هرچیز امنیت اجتماعی خود را از ناحیه گسترش این نوع تروریست‌ها در خطر ببینند. به خاطر اهمیت این تهدید است که سرویس اطلاعاتی و امنیتی دانمارک^۴ اظهار کرده است که بزرگ‌ترین تهدید نسبت به کشورهای هم‌چون دانمارک و سایر کشورهای اروپایی ناشی از گروه‌های ابتدایی، غیرحرفه‌ای و کوچکی از جوانان مسلمان یا سایر مذاهب دیگر است که از ایدئولوژی جهادی القاعده الهام می‌گیرند. اینها

-
1. Self-Starter
 2. Self-radicalized
 3. Self-organized
 4. Danish Security and Intelligence Service (PET)



عمدتاً کسانی هستند که آشکار یا پنهان عمل تروریستی می‌کنند، هیچ کنترل یا برنامه‌ریزی از خارج ندارند؛ به گونه‌ای که قادر هستند خود اهداف را انتخاب، برنامه‌ریزی و در نهایت انجام دهند (PET, 2006: 11).

یکی از نگرانی‌های عمده دولت‌های اروپایی نسبت به نسل دوم مهاجران این است که آنها تحت تأثیر بنیادگرایی اسلامی به سمت انزوای فرهنگی^۱ کشیده شوند و این منجر به بروز یکسری رفتارهای خشونت‌طلبانه و تروریستی از سوی آنها شود. در واقع مطالعات درباره رادیکالیسم اسلامی و و تأثیر آن بر رفتارهای نسل دوم مهاجران متولد اروپا، هنوز مراحل آغازین خود را پشت سر می‌گذراند (Foner and Alba, 2008: 376). تصور برخی جوانان نسل دوم مهاجرین از اسلام یک "هویت مقابله‌گرا"^۲ است و از نظر آنها اسلام برنامه‌ای برای رد رویکردهای غالب اروپا است که آنها را محکوم به موقعیت‌های تحقیرآمیز می‌کنند. مقامات ضدتروریسم بریتانیا هشدار دادند که حدود ۳۰۰۰ افراطی در انگلستان زندگی می‌کنند که احتمال انجام رفتارهای تروریستی از سوی آنها وجود دارد و یا اینکه این احتمال وجود دارد که عضو آتی گروه‌های جهادی شوند. این پیش‌بینی در سال ۲۰۰۷ حدود ۲۰۰۰ نفر بود. تخمین زده می‌شود که بیش از ۳۰۰۰ اروپایی شامل ۵۰۰ بریتانیایی به سوریه و عراق جهت پیوستن به گروه‌های تروریستی، مسافرت کرده باشند. امروزه مقامات اروپایی ترس از شکل‌گیری چرخه خشونت در اروپا دارند؛ به گونه‌ای که حوادثی چون تیراندازی شارلی منجر به گسترش رادیکالیسم و تشویق دیگران برای انجام اقداماتی مشابه کند (Jones, 2015).

بر اساس گزارش مقامات ضدتروریست اروپا یک تا دو درصد مسلمانان ساکن این قاره (بین ۲۵۰ تا ۵۰۰ هزار نفر)، حداقل یک بار در طول زندگی خود در فعالیت‌های افراطی شرکت کرده‌اند. حملات ذیل را می‌توان برخی از مهمترین حملات خشونت‌آمیزی دانست که توسط اسلام‌گرایان افراطی در اروپا صورت گرفته است که منجر به کشته و زخمی شدن صدها نفر و تشدید فضای منفی علیه مسلمانان و به طور کلی امنیتی شدن مهاجرت، شده است: بمب‌گذاری در قطار

1. Cultural Isolationism

2. oppositional identity

مادرید در ۱۱ مارس ۲۰۰۴ (۱۹۱ نفر کشته و ۱۸۰۰ مجروح)، بمب‌گذاری در مترو لندن ۷ جولای ۲۰۰۵ (۵۴ نفر کشته و ۷۰۰ مجروح) توسط اعضای القاعده، قتل تئون گوگ فیلم‌ساز هلندی در خیابان‌های آمستردام در سال ۲۰۰۴، حمله به مجله شارلی ابدو توسط حامیان گروه تروریستی داعش در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۵ (۱۲ نفر کشته و ۱۰ نفر مجروح) و حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ پاریس با ۱۲۹ کشته و صدها زخمی، بمب‌گذاری‌های مارس ۲۰۱۶ بروکسل توسط داعش با ۳۴ کشته و ۱۲۶ نفر زخمی. مضاف بر این موارد، بنابر اظهار سرویس‌های امنیتی اروپا چندین عملیات تروریستی که از سوی گروه‌های افراطی اسلام‌گرا طراحی شده بودند، قبل از اجرا توسط نیروهای امنیتی خنثی شدند.

عدم انسجام هویتی مسلمان در فرهنگ اروپایی. یکی از مهمترین دلایل رویکرد منفی دولت‌های اروپایی نسبت به مهاجرین مسلمان، عدم انسجام هویتی آنان در فرهنگ اروپایی است. به این خاطر، اروپا بیشتر از امریکا در معرض حملات تروریستی از جانب افراط‌گرایان اسلامی قرار دارد. اکثریت مسلمانان در اروپا به خوبی در جامعه اروپایی ادغام نشده و در فرهنگ این جوامع انسجام پیدا نکرده‌اند.

در رابطه با چگونگی مواجهه با مسلمانان در اروپا، دو رویکرد عمده وجود دارد: یک رویکرد بر چند فرهنگ‌گرایی تأکید دارد. در این رویکرد که در کشورهای چون انگلستان دنبال می‌شود، به مسلمانان به عنوان گروه اقلیتی نگاه می‌شود که اولاً دارای کلیتی یکپارچه هستند و دوم اینکه، از هویت و منزلت ویژه‌ای برخوردارند (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۳۴). رویکرد ادغام‌گرا که در کشورهایی چون فرانسه حمایت می‌شود، خواهان اعطای شهروندی به اقلیت‌های دینی از جمله مسلمانان و اروپایی‌زاده‌ها است. در واقع این رویکرد به دنبال این است تا مسلمانان را در ساختارهای ذهنی و عینی تمدن اروپایی ادغام کند. در چهارچوب این دیدگاه، تلاش می‌شود از مسلمانان میانه‌رو حمایت شود و رهبران مذهبی آنها به منظور تطبیق با ارزش‌های اروپایی تحت آموزش‌های ملی قرارگیرند. ایجاد "نهادهای مرکزی دین اسلام" در بلژیک، "شورای مرکزی مسلمانان" در آلمان و "شورای دین اسلام" در فرانسه نمونه‌هایی از سیاست ادغام مسلمانان در جوامع اروپایی به

حساب می‌آیند (کیانی، ۱۳۸۷: ۱۳۵).

از نظر دولت‌های اروپایی به ویژه فرانسه و انگلستان، اسلام قابل تقسیم به اسلام "غیرلیبرال" یا "رادیکال" و اسلام "لیبرال" یا "معتدل" است. مدل فرانسوی یکپارچگی مهاجرین مبتنی بر اصطلاح لائیسیتته (*laïcité*) است که به معنی سکولاریسم در سیاست است، لذا هر شهروندی باید در مرحله اول خود را فرانسوی معرفی نماید و ویژگی‌های مذهبی و نژادی خود را در مرحله دوم اهمیت قرار دهد (Bizina and Gray, 2014: 73). در فرانسه موضوع ادغام مسلمانان در فرهنگ اروپایی، تحت عنوان پایبندی به "ارزش‌های جمهوری" و در آلمان در قالب وفاداری به "ارزش‌های آلمانی" یا "آلمانی بودن" مطرح می‌شود (ایزدی، ۱۳۸۹: ۸۱). در این کشور احراز شرایط آلمانی بودن مقدم بر اعطای تابعیت و شهروندی است (ایزدی، ۱۳۸۹: ۷۸-۷۷).

در مقابل، در بریتانیا و هلند "چندفرهنگ‌گرایی" حاکم است و این دولت‌ها به جای تلاش برای همگونگی مذهبی و نژادی، پراکندگی‌های مختلف هویتی را در این کشور به رسمت شناخته‌اند (Bizina and Gray, 2014: 73). با این وجود، امروزه صدهای زیادی در نقد چندفرهنگ‌گرایی در انگلستان شنیده می‌شود. به عنوان مثال رابرت پوتنام از اندیشمندان دانشگاه هاروارد معتقد است که پراکندگی فرهنگی باعث می‌شود روح اجتماع‌گرایی^۲ در کشور شکل نگیرد و تفرقه در جامعه، میان مسلمانان و انگلیسی‌ها افزایش پیدا کند. وی ارقام و شواهدی ارائه داده است مبنی بر اینکه پراکندگی فرهنگی در امریکا منجر به ایجاد فضای عدم اعتماد و اطمینان شده است (موسوی‌زاده، ۱۳۸۹: ۹۲).

مهاجرین مسلمان اروپا از فرانسه تا آلمان و بلژیک "جوامع موازی"^۳ را در کشورهای اروپایی ایجاد کرده‌اند. در زیرمجموعه جمعیتی اروپا، مهاجرین مسلمان زندگی متفاوتی دارند و به انجام رفتارهای مذهبی و هنجارهای فرهنگی کشورهای اصلی خود علاقه‌مندی بیشتری نشان می‌دهند تا فرهنگ و آداب کشور میزبان، لذا

1. Multiculturalism
2. Communitarianism
3. Parallel societies

برخی از آنها که تمایلات افراط‌گرایانه دارند، تبدیل به شکار آسان برای گروه‌ها و سازمان‌های رادیکالیستی می‌شوند. محرومیت این جوامع موازی نسبت به بومیان، آنها را مستعد عضوگیری توسط تروریست‌ها و گروه‌های افراطی سلفی-تکفیری کرده است.

گرایش به رادیکالیسم اسلامی از سوی برخی مسلمانان افراطی در اروپا (متولدین اروپا یا مهاجرین جدید) و پیوستن به گروه‌های تروریستی را می‌توان یکی از مهمترین پیامدهای عدم همگونی و انسجام هویتی دانست که اروپا را بیش از پیش در معرض خطرات و آسیب‌های امنیتی جدی قرار داده است. امروزه، شمار افرادی که از اروپا به هدف پیوستن به گروه تروریستی داعش، به سوریه و عراق مهاجرت کرده‌اند، بسیار بیشتر از آمریکا است. این مسئله به معنی این است که اروپا تهدیدات جدی را در رابطه با تروریسم وطنی به ویژه زمانی که آنها به کشورهايشان در اروپا برمی‌گردند، متحمل خواهد شد. نمونه بارز آن حملات تروریستی ۱۳ نوامبر ۲۰۱۵ پاریس (با ۱۲۹ کشته) است که توسط کسانی انجام شد که برخی از آنها دارای تابعیت فرانسوی بوده و به داعش در سوریه پیوسته بودند و همراه با آوارگان سوری از مسیر یونان به اروپا بازگشتند و مرتکب این جنایت خونین شدند و یا عاملان بمب‌گذاری مارس ۲۰۱۶ که ده‌ها کشته و زخمی برجای گذاشت، شهروندان بلژیکی به نام‌های خالد و براهیم البکراوی بودند.

بنابراگفته یکی از سناتورهای فرانسوی، نفوذ عناصر تروریستی به درون آوارگانی که به اروپا می‌آیند، بدترین کابوس برای اروپا بود که به وقوع پیوست (CNN, 15/11/2015).

تغییر توازن جمعیتی: تهدید هویت اروپایی. نگرانی بابت تغییر توازن جمعیتی اروپا در نتیجه مهاجرت مسلمانان تازه وارد^۱ به این قاره از دهه ۱۹۷۰ شروع شد (میرمحمدی، ۱۳۸۵: ۷۰-۶۹) و هنوز یکی از موضوعات مهم هویتی-امنیتی در اتحادیه اروپا به شمار می‌رود. آمارها در رابطه با میزان جمعیت مسلمان در اروپا متغیر است. براساس برخی آمارها بیش از نیمی از مسلمانان در اروپا بومی

و نیمی دیگر مهاجر هستند. در پی بحران عراق، لیبی و جنگ داخلی و فرسایشی سوریه و به دنبال آن هجوم چند صد هزار نفری مسلمانان به اروپا از سال ۲۰۱۳، باید انتظار داشت که در سال‌های آینده نرخ مهاجرین مسلمان در اروپا بسیار افزایش پیدا کند.

شمار مسلمانان قاره اروپا براساس آمار مرکز تحقیقات پیو، از ۲۹,۶ میلیون نفر در سال ۱۹۹۰ (۴,۱ درصد از کل جمعیت اروپا) به ۴۴,۱ میلیون نفر (۶ درصد از کل جمعیت اروپا) در سال ۲۰۱۰ رسید (جمعیت مسلمان اتحادیه اروپا نیز حدود ۱۹ میلیون پیش‌بینی شده است). این مرکز پیش‌بینی کرده است که شمار مسلمانان اروپا تا سال ۲۰۳۰ به ۵۸ میلیون نفر (۸ درصد از کل جمعیت اروپا) افزایش یابد (از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۱۰ به طور متوسط در هر دهه، ۱ درصد به کل جمعیت مسلمان در اروپا افزوده شده است) (Pew Research Center, 27/01/2011). جالب اینجاست که مسلمانان جمعیت جوانی را تشکیل می‌دهند. براساس تحقیقی در "کتاب سال جمعیت‌شناسی دینی در سطح جهان" میانگین سن جمعیت مسلمان اروپا (۶ درصد از کل جمعیت اروپا)، ۳۱,۸ سال است در حالیکه جمعیت مسیحیان اروپا (۷۵ درصد از جمعیت اروپا) نسبتاً پیر بوده و میانگین سن آنها ۴۱,۷ سال است (IIASA, 2014).

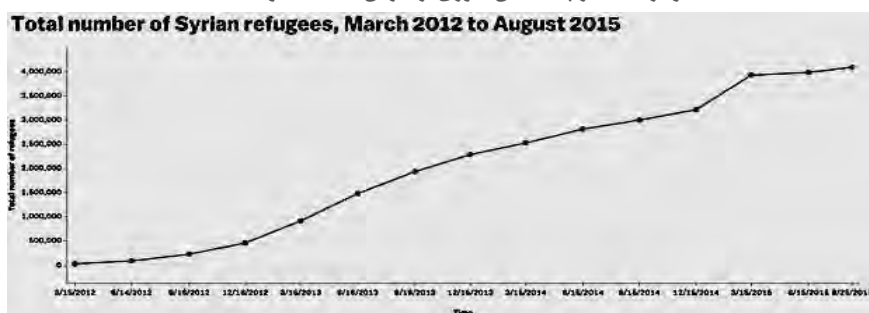
براساس آمار مرکز تحقیقاتی پیو، تا سال ۲۰۵۰ شمار مسلمانان اتحادیه اروپا به ۱۰,۲ درصد افزایش پیدا خواهد کرد. نرخ رشد جمعیت مسلمانان در اروپا ۳۵ درصد است. نتایج این آمار بیانگر این است که جمعیت مسلمانان با سرعت بیشتری نسبت به غیرمسلمانان رشد می‌کند. اگر این الگو ادامه یابد، تا سال ۲۰۵۰ در جهان برای اولین بار در جهان، شمار مسلمانان تقریباً برابر شمار مسیحیان خواهد شد. یعنی حدود ۲,۸ میلیارد مسلمان (۳۰ درصد از کل جمعیت دنیا) و ۲,۹ میلیارد مسیحی (۳۱ درصد از کل جمعیت دنیا) (Pew Research Center, 02/04/2015).

حضور مسلمانان در کشورهای اروپایی به گونه‌ای است که اغلب کلمه مهاجر و مسلمان معادل یکدیگر تلقی می‌شود (Hackett, 15/01/2015). گروه‌های راست

افراطی همواره نسبت به غالب شدن جمعیت مسلمانان در اروپا در دهه‌های آینده هشدار داده و آن را به معنای زنگ خطری برای کلیسا تلقی کرده‌اند. آمارهای موجود، جمعیت مهاجر اخیر را که در نتیجه بحران سوریه به کشورهای اروپایی سرازیر شدند، در نظر نگرفته‌اند. طبیعتاً با احتساب آنها، شمار جمعیت مسلمان اروپا به‌ویژه آلمان که بیشترین جمعیت مهاجر را در خود جای داده است (نزدیک ۱ میلیون نفر)، بیشتر از آمارهای موجود خواهد بود. با توجه به اینکه آلمان پایین‌ترین نرخ زاد و ولد را در اروپا دارد و جمعیت این کشور رو به پیری است، لذا هجوم گسترده مهاجرین اخیر به این کشور آینده توازن جمعیتی آلمان را تهدید خواهد کرد. بر طبق آمار کمیسیون اروپا جمعیت آلمان تا سال ۲۰۶۰ از ۸۱،۳ به ۷۰،۸ میلیون نفر کاهش پیدا خواهد کرد (European Commission, 2015). لذا تهدید علیه توازن جمعیتی در آلمان محسوس‌تر از سایر کشورهای اروپایی است. امروزه، خشونت‌های اخیر در فرانسه و راهپیمایی اعتراضی در آلمان بار دیگر توجهات را نسبت به جمعیت مسلمان اروپا جلب کرد. بر این اساس، در بسیاری از کشورهای اروپایی نظیر آلمان، انگلستان و هلند، نگرانی‌ها درباره جوامع رو به رشد مسلمان، منجر به گسترش تقاضای اجتماعی برای محدودیت مهاجرت شده است. مهاجرت، نرخ بالای زاد و ولد و رشد منفی جمعیت مسیحیان در اروپا از مهمترین عوامل این روند افزایشی جمعیت مسلمانان در اروپا به شمار می‌روند.

بر طبق آمارهای کمیسیون اروپایی، صرفاً در سال ۲۰۱۴، اتحادیه اروپا حدود ۶۲۶ هزار درخواست پناهندگی دریافت کرده است که بالاترین درخواست از سال ۱۹۹۰ بوده است. در سال ۲۰۱۳ نیز ۴۳۱ هزار درخواست پناهندگی از سوی کشورها اروپایی دریافت شد (Eurostat, 21/05/2015). با گسترش تروریسم و جنگ‌های داخلی در خاورمیانه و شمال آفریقا از جمله در سوریه، عراق، افغانستان و لیبی، روند مهاجرت به اروپا و درخواست‌های پناهندگی رو به افزایش بوده است (نمودار ۱) و این بیش از پیش هویت اروپایی این قاره را با بهم زدن توازن جمعیتی، مورد تهدید قرار خواهد داد.

نمودار ۱: شمار پناهندگان سوری از مارس ۲۰۱۲ تا اوت ۲۰۱۵:



منبع: UNHCR (2015): <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/regional.php>

امنیتی شدن مهاجرت. چرا مهاجرت در کشورهای اروپای به موضوع امنیتی تبدیل شده است؟ یکی از مهمترین کارویژه‌های امنیتی شدن مهاجرت، پاسخ به چالش‌های هویت ملی از طریق بسیج حمایت عمومی است. به تصویر کشیدن یک پدیده به عنوان یک تهدید امنیتی می‌تواند مشروعیت سیاست آن دولت و کسب حمایت شهروندان را در مواجهه با آن تهدید افزایش دهد. در چنین فضایی، سیاست‌هایی که در شرایط عادی امکان عملیاتی شدن نداشتند، از مشروعیت برخوردار می‌شوند و رفتارهای فراقانونی، بکارگیری تکنولوژی‌های امنیتی-اطلاعاتی و حتی استفاده از خشونت از سوی دولت‌ها به منظور کنترل و مهار تهدید، در چهارچوب عبارت زیبای "امنیت ملی" توجیه پذیر می‌شود. در چنین شرایطی دولت‌ها قادر خواهند بود تا حوزه قدرت و اختیارات خود را از طریق توسعه یک "سیاست نامنی" گسترش دهند (Boswell, 2007: 1).

به طور کلی، نامنی یک موضوع دائمی، معین و مشخصی نیست بلکه بسته به نوع شرایط و متن، تعریف از نامنی نیز متفاوت است. نامنی پدیده‌ای است که نظام‌های سیاسی آن را می‌سازند و در جهت مقابله با آن برمی‌آیند. نظام سیاسی با تولید و بازتولید روابط اجتماعی خاص، یک پدیده اجتماعی همچون مهاجرت و پناهندگی را امنیتی جلوه می‌دهد و بدین ترتیب یک رابطه نزدیکی بین حوزه اجتماعی و حوزه سیاسی برقرار می‌کند. لذا اگر قرار است در رابطه با موضوع مهاجرت و پناهندگی سیاست‌های محدودکننده‌ای اعمال شود، باید عقلانی و

توجیه‌پذیر شود که امنیتی کردن، این زمینه را فراهم می‌کند. مسائلی چون تهدیدات تروریستی ناشی از مهاجرت، مشکلات فرهنگی، زبانی و حتی بهداشتی مهاجران، ضعف‌های مهارتی و تفاوت‌های دیگر آنان با جوامع میزبان از یک‌سو و تلاش برخی مهاجران برای سوء استفاده از آزادی جوامع میزبان و ایجاد یک‌سری چالش‌های اجتماعی از سوی دیگر، ابتدا با رویکرد امنیتی در حوزه گفتمانی پردازش می‌شود و سپس در حوزه سیاست‌گذاری اعمال می‌شود (قهرمان‌پور بناب، ۱۳۸۵: ۱۷۸-۱۷۷).

به عنوان مثال در انگلستان، در تلاش برای امنیتی کردن مهاجرت، به دنبال انتخابات عمومی سال ۲۰۰۵، رهبر وقت حزب محافظه‌کار، میکائیل هووارد،^۱ متقاضیان مهاجرت را با پدیده تروریسم مرتبط کرد (Leonard, 2007: 3). در این میان، عصری که مهاجرت را به امنیت گره زده است، رادیکالیسم است که امروزه در میان نسل دوم و سوم مهاجرین رو به گسترش است. این روند باعث شده است تا برخی محققین، روزنامه‌نگاران و سازمان‌های غیردولتی صریحا یا تلویحا از امنیتی شدن روزافزون مهاجرت و پناهندگی در اتحادیه اروپا صحبت کنند. به گونه‌ای که موضوع امنیتی شدن مهاجرت در اتحادیه اروپا -چه در سطح اتحادیه و چه در سطح داخلی- به یک ایده فراگیری در ادبیات آکادمیک تبدیل شده است (Leonard, 2007: 5-6). دفتر کمیسیون عالی پناهندگان سازمان ملل نیز بر این واقعیت اذعان کرده است که مهاجرت و پناهندگی در اتحادیه اروپا، امنیتی شده است. این سازمان در یکی از تحقیقاتش با نام "دولت و پناهندگان جهان" ادعا کرده است که «ظهور نگرانی‌های امنیتی جدید برای دولت‌ها به‌ویژه از زمان حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، به امنیتی شدن موضوع پناهندگی منجر شده است. در این راستا، متقاضیان پناهندگی بانیان نامنی تصور می‌شوند تا قربانیان آن» (UNHCR, 2006: 5).

در اتحادیه اروپا بسیاری از مقامات سیاسی به‌ویژه جناح راست رادیکال و طیف محافظه‌کار رسماً از پیوند مهاجرت با رادیکالیسم، تروریسم و افراطی‌گری سخن می‌گویند و مهاجرت را به مثابه یک تهدید اجتماعی به تهدید تروریسم پیوند

می‌زنند و آن را به طیف گسترده‌ای از چالش‌های سیاسی-اقتصادی و اجتماعی اعم از جرم و جنایت، نقض حقوق بشر، تهدیدات فرهنگی - هویتی و بی‌ثباتی سیاسی مرتبط می‌کنند (3: Boswell, 2007).

نتیجه‌گیری

اهمیت موضوع مهاجرت فراتر از مباحث داغ انتخاباتی، به یکی از مهمترین مسائل مناقشه‌آمیز در سیاست‌های امنیتی معاصر اتحادیه اروپا تبدیل شده است و با چالش‌های مهمی چون تروریسم و نارسایی‌های اجتماعی پیوند خورده است؛ به‌گونه‌ای که از آن به پیوند "امنیت-مهاجرت" تعبیر شده است. از دیدگاه دولت‌های اروپایی یکی از مهمترین پیامدهای موج مهاجرت به اروپا در دهه اخیر به ویژه در جریان جنگ‌های داخلی سوریه، عراق، افغانستان و لیبی، گسترش پدیده رادیکالیسم در میان مهاجرین مسلمان است. با ورود برخی اعضای اروپایی داعش به کشورهای اروپایی در پوشش مهاجرین، به نظر می‌رسد در سال‌های آینده حرکت خشونت‌آمیز تروریست‌های وطنی از نظر تعداد و گستره عملیاتی رو به افزایش باشد و ایدئولوژی افراطی گروه‌های تروریستی داعش و القاعده با القا و تحریک جوانان جهت انجام عملیات تروریستی - با توجه به استفاده گسترده آنها از شبکه‌های اجتماعی - تشدید شود.

امروزه گرایش به اندیشه‌های رادیکالیستی و گروه‌های سلفی-تکفیری از سوی نسل‌های دوم و سوم مهاجرین مسلمان، امنیت اجتماعی اروپا را در معرض تهدیدات جدی قرار داده است. هرچند عمدتاً آبخش‌خور فکری بسیاری از آنها وهابیت است، اما نمی‌توان یک دلیل ساده را برای چرایی ظهور این پدیده بیان کرد. این افراد از کشورهای مختلف با زمینه‌های اجتماعی-اقتصادی و فرهنگی مختلف وارد اروپا می‌شوند و به دلایل مختلف در معرض فرایند رادیکالیسم قرار می‌گیرند. باید توجه داشت که الزاما مهاجرت با رفتارهای بنیادگرایانه رابطه مستقیمی ندارد بلکه باید زمینه‌های اجتماعی آن فراهم باشد تا موضوع مهاجرت در اروپا را به پدیده رادیکالیسم گره بزنند. در این راستا می‌توان موضوعاتی چون بحران هویت، تجربه تبعیض نژادی، محرومیت نسبی، امامان جماعت تندرو، تعلقات هویتی -

فرهنگی، سیاست خارجی تهاجمی و اهانت به مقدسات اسلامی را از مهمترین زمینه‌های اجتماعی تلقی کرد که نقش اساسی را در هدایت نسل جدید مهاجرین به سمت تفکرات رادیکالیستی و انجام رفتارهای تروریستی دارند. بر این اساس، در پاسخ به رشد اندیشه‌های رادیکالیستی در اروپا، موضوع مهاجرت به یک موضوع امنیتی تبدیل شده است و این خود چالش‌های متعددی را هم برای دولت‌های اروپایی و هم برای مهاجرین ایجاد کرده است. دولت‌های اروپایی با کشاندن پدیده مهاجرت به حوزه‌های امنیتی، تلاش می‌کنند تا مشروعیت سیاست‌ها و تصمیمات خود را در برخورد با مهاجرین افزایش داده و بازخورد منفی آن را در سطوح ملی و بین‌المللی کاهش دهند. از نظر دولت‌های اروپایی، یکی از مهمترین دلایل گرایش نسل جدید مهاجرین به اندیشه‌ها و رفتار رادیکالیستی، عدم انسجام فرهنگی-هویتی بسیاری از مسلمانان (غیر) در فرهنگ و هویت لیبرالیستی اروپایی (خود) است. لذا بسیاری از مهاجرین مسلمان قبل از اینکه خود را اروپایی بدانند، خود را مسلمان می‌نامند؛ یعنی در تعریف از هویت، ماهیت مذهبی خود را در اولویت اول قرار می‌دهند. موضوع دیگر که امروزه تبدیل به یکی از مهمترین دغدغه‌های دولت‌های اروپایی شده است، ترس از بهم خوردن توازن جمعیتی در اثر گسترش جمعیت مهاجرین مسلمان در اروپا است. بر این اساس، گروه‌ها و احزاب راست افراطی و ضد مهاجرت در کشورهای مختلف اروپایی، همواره نسبت به خطر برتری جمعیت مسلمان اروپا در دهه‌های آینده هشدار داده و آن را خطری جدی برای کلیسا، فرهنگ و هویت اروپایی و به طور کلی امنیت اروپا تلقی می‌کنند. امروزه، این گروه‌ها توانسته‌اند با اتخاذ یک رویکرد پوپولیستی و نشان دادن خود به عنوان حافظ هویت و فرهنگ اروپایی، درصد بیشتری از آرای سیاسی مردم اروپا را در کشورهای مختلف به سمت خود جلب کنند.

یادداشت‌ها

۱. گفته می‌شود ردوآن الاتیار (Redouan al Issar) است که ابوخالد نیز به وی اطلاق می‌شود.
۲. وی قصد داشت بمبی را که در کفش‌هایش تعبیه شده بود، در یک سفر هوایی به امریکا منفجر کند.
۳. گفته می‌شود رهبران گروه تروریستی داعش اعلام کرده‌اند که اگر ۳ نفر همفکر در یک جا جمع شدند، می‌توانند یک گروه جهادی را تشکیل دهند و یکی از آنها به عنوان رهبر، هدایت مستقلانه گروه را به عهده بگیرد.



منابع

الف) فارسی

- ایزدی، پیروز. ۱۳۸۹. "بررسی تطبیقی سیاست‌های ادغام مهاجران مسلمان در فرانسه و آلمان"، *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*، شماره ۲۵.
- قهرمان‌پور بناب، رحمان. ۱۳۸۵. "معرفی کتاب: سیاست ناامنی: ترس، مهاجرت و پناهندگی در اتحادیه اروپا" (مؤلف جف هویسمانز)، *فصلنامه امنیت*، شماره ۱-۲.
- کیانی، داود. ۱۳۸۷. "تنگنای هویتی مسلمانان در اروپا و امریکا"، *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*، شماره ۲۰.
- موسوی‌زاده، علیرضا. ۱۳۸۹. "اجتماع‌گرایی در انگلستان و تأثیر آن بر وضعیت مسلمانان آن کشور"، *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*، شماره ۲۵.
- میرمحمدی، سیدمصطفی. ۱۳۸۵. "حقوق بین‌الملل و حقوق اقلیت‌ها با تکیه بر حقوق اقلیت‌های مسلمان"، اندیشه تقریب، شماره ۹.
- هرمزی، شانی. ۱۳۸۹. "مسلمانان و دولت‌های اروپایی"، *پژوهش‌نامه سیاست خارجی*، شماره ۲۵.

ب) انگلیسی

- AIVD** (The Dutch intelligence service). 2006. "Violent Jihad in the Netherlands Current trends in the Islamist terrorist threat", available in: <http://www.investigativeproject.org/documents/testimony/50.pdf>.
- BBC NEWS. 28/12/2001. "Who is Richard Reid?", available in: news.bbc.co.uk/2/hi/uk/1731568.stm.
- Bizina, Margarita and David H. Gray. 2014. "Radicalization of Youth as a Growing Concern for Counter-Terrorism Policy", *Global Security Studies*, Vol. 5, No. 1.
- Boswell, Christina. April 2007. "The securitization of Migration: A Risky Strategy for European States", *Danish Institute for International Studies*, available in:

<http://www.isn.ethz.ch/DigitalLibrary/Publications/Detail/?lang=en&id=31578>.

Buzan, Barry, Ole Waever and Jaap de Wilde. 1998. **Security: A New Framework for Analysis**, Boulder, Colo.

Columba Peoples and Nick Vaughan-Williams. 2010. **Critical Security Studies**, New York: Routledge.

CNN. 15/11/2015. "Passport linked to terrorist complicates Syrian refugee crisis", available in: <http://edition.cnn.com/2015/11/15/europe/paris-attacks-passports>.

European Commission. February 2015. "The 2015 Ageing Report: Underlying Assumptions and Projection Methodologies", available in: http://ec.europa.eu/economy_finance/publications/european_economy/2015/pdf/ee3_en.pdf.

Eurostat. 21/05/2015. "Asylum statistics", available in: http://ec.europa.eu/eurostat/statistics-explained/index.php/Asylum_statistics.

Foner, Nancy and Richard Alba. 2008. "Immigrant Religion in the U.S. and Western Europe: Bridge or Barrier to Inclusion?" **IMR** Vol. 42, No. 2.

Hackett, Conrad. 15/01/2015. "5 facts about the Muslim population in Europe", **Pew Research Center**, <http://www.pewresearch.org/fact-tank/2015/01/15/5-facts-about-the-muslim-population-in-europe/>.

ICM Opinion Poll. February 2006. "Muslims Poll", available in: http://www.icmunlimited.com/pdfs/2006_february_sunday_telegraph_muslims_poll.pdf.

International Institute for Applied Systems Analysis – IIASA. Aug 20, 2014. "A demographic perspective on religion", available in: <http://www.iiasa.ac.at/web/home/about/news/20140820-Pop-religion.html>.

Jef, Huysmans. 2000. "The European Union and the Securitization of Migration", **Journal of Common Market Studies**, Vol. 38, No. 5.

Jones, Sam. 27/02/2015. "UK puts 3,000 extremists on 'Jihadi John' watchlist", **Politics and Policy**, available in: <http://www.ft.com/cms/s/0/35a081fa-bea9-11e4-8d9e-00144feab7de.html#axzz3mSsOejqa> (accessed 28/09/2015).

Leonard, Sara. 2007. "The 'Securitization' of Asylum and Migration in the European Union beyond the Copenhagen School's Framework", **Paper presented at the SGIR Sixth Pan-European International Relations Conference**, 12-15 September 2007, Turin -Italy.

- Manningham-Buller, Eliza. 09/11/2006. "The international terrorist threat to the UK", Speech at Queen Mary's college, London, **Security Service MI5**, available in: <https://www.mi5.gov.uk/home/about-us/who-we-are/staff-and-management/director-general/speeches-by-the-director-general/the-international-terrorist-threat-to-the-uk.html> (accessed 28/10/2015).
- Mirza, Munira. January 2007. "Senthilkumaran, Abi and Ja'far Zein: Living apart together – British Muslims and the Paradox of Multiculturalism", **Policy Exchange**, available in: <http://www.policyexchange.org.uk/images/publications/living%20apart%20together%20-%20jan%2007.pdf>.
- Ole Wæver. 2004. "Aberystwyth, Paris, Copenhagen: New Schools in Security Theory and the Origins between Core and Periphery," **Paper presented at the annual meeting of the International Studies Association**, Montreal, March 17-20.
- Ole Wæver. 1995. "Securitization and Desecuritization", in Ronnie Lipschutz (ed), **On Security**, New York: Columbia University Press.
- Politiets Efterretningstjeneste –PET. 2006. Annual report 2004-2005, **Danish Security and Intelligence Service**, available in: <https://www.pet.dk/English/~media/Engelsk/Annualreport2004-2005.ashx>.
- Pew Global Attitudes Survey**. June 22, 2006. "The Great Divide: How Westerners and Muslims View Each Other", available in: www.pewglobal.org/files/pdf/253.pdf.
- Pew Research Center**. 02/04/2015. "The Future of World Religions: Population Growth Projections, 2010-2050", available in: <http://www.pewforum.org/2015/04/02/religious-projections-2010-2050>.
- Pew Research Center**. 27/01/2011. "Region: Europe", available in: <http://www.pewforum.org/2011/01/27/future-of-the-global-muslim-population-regional-europe/>.
- Precht, Tomas. 2007. "Home grown terrorism and Islamist radicalization in Europe." **Danish Ministry of Justice**. available in: <http://www.justitsministeriet.dk/sites/default/files/media/Arbejdsomraader/Forskning/Fors>.
- Pregulman, Ally and Emily Burke. April 2012. "Home Grown Terrorism", **Center for Strategic and International Studies**, available in: <http://csis.org/publication/homegrown-terrorism>.
- Sageman, Marc. 2004. *Understanding Terror Networks*, Philadelphia, PA:

University of Pennsylvania Press.

The Economist. Aug 15th 2015. "The Battle of Ideas", available in: <http://www.economist.com/news/britain/21661002-britain-struggling-deal-new-breed-fundamentalist-battle-ideas>.

The Guardian. 16/11/2015. "Abdelhamid Abaaoud named as alleged mastermind of Paris terror attacks", The Guardian, available in: <http://www.theguardian.com/world/2015/nov/16/abdelhamid-abaaoud-named-as-alleged-mastermind-of-paris-terror-attacks>.

Times. Sept. 5, 2014. "Why Westerners Are Fighting for ISIS", available in: <http://time.com/3270896/isis-iraq-syria-western-fighters>.

UNHCR. 2006. The State of The World's Refugees 2006: Human Displacement in the New Millennium, Oxford: Oxford University Press.

UNHCR. 2015. "Syrian Regional Refugee Response", available in: <http://data.unhcr.org/syrianrefugees/regional.php#>.

Waeber, Ole, Barry Buzan, Morten Kelstrup and Pierre Lemaitre. 1993. **Identity, Migration and the New Security Order in Europe**, London: Pinter.

